



خبرگزاری مهر/سپاس

انتخابات پارلمانی لبنان و آینده این کشور در گفت‌وگوی «ایران» با سعدالله زارعی

یک انتخابات و هزار اما و اگر

حسین فاطمی
خبرنگار

قرار است انتخابات پارلمانی لبنان ۲۵ اردیبهشت (۱۵مهر) برگزار شود. در این دوره از انتخابات ۲۱۸ نامزد در قالب ۱۰۳ لیست با یکدیگر رقابت می‌کنند. به عبارت دیگر برای هر یک از ۱۲۸ کرسی پارلمانی بیش از ۵ نامزد با یکدیگر رقابت تنگناتی خواهند داشت. در عین حال ۱۱۸ زن در لیست‌های انتخاباتی حضور دارند که بیشترین تعداد حضور بانوان در ادوار انتخابات پارلمانی است. تحولات سال‌ها و ماه‌های اخیر در لبنان بخصوص انفجار بندر سیروت و به تبع آن کناره‌گیری دولت حسان دیاب و نیز چالش‌های مربوط به حوزه اقتصادی و معیشتی و مهم‌تر از همه بحران سوخت در این کشور سبب شده، این انتخابات از اهمیت و حساسیت بالایی برای لبنانی‌ها برخوردار باشد. از این رو «ایران» در گفت‌وگو با سعدالله زارعی، تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل به‌واکاوی دقیق‌تر فضای سیاسی - اجتماعی لبنان در آستانه انتخابات پرداخته‌است که در ادامه می‌خوانید:

و اجتماعی در جامعه لبنان شکل گرفت تا ساختار سیاسی لبنان را بی‌اثر کند یا در راستای منافع برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کام بردارد. به همین دلیل فضای کلی لبنان تا اندازه بسیار زیادی متأثر از تلاش‌های مخربی است که عملاً سیاست، اقتصاد، معیشت، فرهنگ، قومیت و حتی دین و مذهب در این کشور را نشانه گرفته است. به همین دلیل لبنان در آستانه انتخابات پارلمانی در یکی از حساس‌ترین برهه‌های حیات خود به سر می‌برد. حتی می‌توان چنین عنوان کرد که لبنان در آستانه برگزاری مهم‌ترین انتخابات مجلس طی ۳۰ سال اخیر است؛ انتخاباتی که حزب‌الله از آن به عبارت «جنگ سیاسی» یاد می‌کند. همین کلمه نشان از اهمیت و حساسیت این انتخابات برای لبنان در همه عرصه‌ها دارد. ■ با این‌واکاوی شما از فضای کلی سیاسی لبنان و حساسیت بالا در جامعه این کشور، مشخصاً اهمیت این انتخابات و تفاوت آن با دوره‌های قبلی چیست؟ همان‌طور که اشاره کردم، برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای طی ۴ سال گذشته پارلمان فعلی تلاش داشتند ساختار سیاسی لبنان را به نفع خود تغییر دهند. از این رو کشورهایی چون عربستان و آمریکا سعی دارند از انتخابات پارلمانی پیش رو در لبنان نیز مانند ادوار گذشته برای ایجاد تغییرات اساسی در جامعه لبنان به نفع خود استفاده یا بهتر بگویم سوءاستفاده کنند. در واقع این

انتخابات پارلمانی محکی برای اندازه‌گیری میزان موفقیت برنامه‌های غرب با هدف ایجاد خلأ سیاسی و فرهنگی در جامعه لبنان است. اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که جامعه لبنان یک جامعه تقسیم‌شده است. یعنی جامعه مسیحی یا کرسی از پارلمان، جامعه اهل سنت یا ۲۷ کرسی، شیعیان یا ۲۷ کرسی و دروزی‌ها یا ۸ کرسی؛ بنابراین تغییرات سیاسی در جامعه لبنان عمدتاً ناظر به کرسی‌هایی می‌شود که در خصوص اقدامات و تصمیمات غرب واکنش مثبتی نشان می‌دهند، همان‌هایی که در طول سال‌های گذشته هم همراهی خود را با برخی تصمیمات جامعه غرب بخصوص آمریکا به عربستان نشان داده‌اند. از این حیث سطح تغییرات از دل انتخابات پارلمانی پیش‌رو مورد انتظار، چندان گسترده و راهبردی نخواهد بود زیرا بخش معینی از جامعه سیاسی لبنان تکلیف خود را بر فشارهای کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه روشن کرده است. ■ منظور شما مشخصاً جریان ۸ مارس است؟ در یک نگاه کلی مشخصاً می‌توان به جریان هشت مارس اشاره کرد. اما در لایه‌های زیرین به نظر نمی‌رسد در انتخابات پیش رو تغییر ملموسی در کرسی‌های شیعیان لبنان نیامد. این‌ها در گذشته برای ایجاد خود را در آستانه انتخابات پارلمانی متهم کرده‌اند. اما در واقع این انتخابات پارلمانی در آستانه انتخابات پارلمانی ۲۵ اردیبهشت (۱۵مهر) برگزار خواهد شد. همانگونه که می‌دانید در این چهار سال اتفاقات بسیار مهمی برای ایجاد گسل و افتراق سیاسی

ناظر به تقسیم‌کرسی‌های پارلمانی بر اساس ساختار جمعیتی قومی و مذهبی لبنان مبتنی بر واقعیت‌های این کشور صورت نگرفت. با این حال نکته مهم‌تر این است که اکنون کشورهای مانند عربستان و ایالات متحده، نه به دنبال اجرای نظم توافق طائف در لبنان، بلکه مترصد ایجاد یک نظم جدید بر اساس منافع سیاسی خود در این کشور هستند. لذا این بازیگران سعی می‌کنند یک فضای مشوش و پر هرج و مرج را در جامعه لبنان ایجاد کنند تا در این فضای ملتهب و پر از هرج و مرج اساساً تقسیم‌بندی سیاسی بر اساس جمعیت قومی و مذهبی مدنظر توافق طائف کنار گذاشته شود و طرح‌های سیاسی آنان باعث تغییر ساختار قدرت شود. بنابراین آن چیزی که مدنظر عربستان و آمریکا برای انتخابات پیش‌روست به مراتب نا عادلانه‌تر از توافق طائف و حتی قانون ۱۹۶۰ است. پس این گزاره تحلیلی شما که برای عبور از این بست کوفی لبنان باید از توافق طائف گذشت، بیشتر منشأ سعودی و آمریکایی دارد چون این نگاه مصالح‌جامعه لبنان را فدای اهداف ریاضی و واشنگتن می‌کند. از همین روست که می‌بینیم حزب‌الله لبنان و جریان ۸ مارس با وجود اینکه با توجه به قانون طائف به سهم کمتری در پارلمان و دولت رسیده‌اند، اما از ساختار سیاسی فعلی دفاع می‌کنند.

■ به چه دلیل با دلایلی این دفاع با وجود برخی تبعات منفی از سوی حزب‌الله مطرح است؟

چون در شرایط فعلی نمی‌توان در کوتاه مدت یا حتی میان مدت به جایگزینی برای توافق طائف با هدف ایجاد نظم نوین سیاسی در لبنان دست پیدا کرد، مگر آنکه فضای لبنان به سمت یک گفتمان منطقی و عادلانه پیش‌روند تا در چنین فضایی شیعیان، اهل سنت، مسیحیان، دروزی‌ها، علویان و... بتوانند با یک متاگره دوستانه و مثبت ابراز برای رسیدن به یک نسخه بهتر از توافق طائف دست یافته و در ادامه روی آن توافق کرده و به تصویب برسانند و در نهایت آن را اجرایی کنند. اما واقعیت‌های فعلی فضای سیاسی لبنان چنین چیزی را نشان نمی‌دهد چون برای مثال با وجود آنکه جامعه مسیحی لبنان ۲۸ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهد، تمایلی برای از دست دادن تعداد کرسی‌های خود در پارلمان ندارد. بنابراین هر تاشی برای عبور از توافق طائف در این شرایط نظم و ثبات سیاسی را به هم خواهد زد، خصوصاً اگر برخی جریان‌های سیاسی بخواهند بدون توافق و هماهنگی با دیگر احزاب این اقدام را انجام دهند.

■ بر مبنای همین انتقادات، بسیاری معتقدند با وجود آنکه در پست نخست‌وزیری شاهد گردش افراد مستقیم، اما چهره‌هایی مانند میشل عون، رئیس‌جمهور و بخصوص نبیه بری، رئیس پارلمان مملایه سکون و نبیست سیاسی در لبنان ادان می‌زنند چرا که فشار برای چرخش افراد اجدان نمی‌شود. پاسخ شما به این انتقادات چیست؟



ساختار سیاسی لبنان چون یک ساختار طائفه‌ای، قومی و دینی است باید این مسأله بیشتر در خود طایفه‌ها حل و فصل شود. به هر حال پذیرفته شده که پست ریاست‌جمهوری سهم مسیحیان باشد، همانگونه که نخست‌وزیری از آن اهل سنت و رئیس مجلس نصیب شیعیان لبنان است. بنابراین اهل سنت در خصوص نخست‌وزیر، شیعیان در خصوص رئیس پارلمان و مسیحیان در خصوص رئیس جمهوری می‌توانند نظر بدهند و تصمیم بگیرند. البته در خصوص تعیین رئیس‌جمهور نظر اهل سنت و شیعیان هم مهم است، اما پیش از آن پارلمان به رئیس‌جمهور باید مسیحیان در خصوص یک فرد به تفاهم برسند. همانگونه که گفتید آقای میشل عون آخرین دوره ریاست‌جمهوری خود را طی می‌کند پس به صورت اتوماتیک آقای عون کنار می‌رود. ضمن اینکه برای تعیین رئیس‌جمهور در لبنان گاهی ماه‌ها بحث سیاسی شکل گرفته است، گمانی که در برهه‌ای لبنان به مدت ۲۰ ماه بدون رئیس‌جمهور بوده است.

■ پس سؤال اینجاست که چه کسی جایگزین وی خواهد شد اگر چه اسامی‌ای مانند سمیر جعجع، سلیمان فرنجیه و... مطرح است؟ با اینکه سمیر جعجع از مقبولیت بالاتری در میان جامعه مسیحی برخوردار است، اما مخالفت جامعه مسیحی محور مقاومت، کل شیعیان و بخشی از اهل سنت لبنان عملاً رسیدن او به کرسی ریاست‌جمهوری را ناکام می‌گذارد چون همانگونه که عنوان داشتم بعد از تفاهم جامعه مسیحی در خصوص گزینه برای نامزدی ریاست‌جمهوری باید اکثریت پارلمان هم به وی رای دهند تا به عنوان رئیس‌جمهور لبنان انتخاب شود. در طرف دیگر با وجود آنکه

اکنون کشورهایمانند عربستان و ایالات متحده، نه به دنبال اجرای نظم توافق طائف در لبنان، بلکه مترصد ایجاد یک نظم جدید بر اساس منافع سیاسی خود در این کشور هستند. لذا این بازیگران سعی می‌کنند یک فضای مشوش و پر هرج و مرج را در جامعه لبنان ایجاد کنند تا در این فضای ملتهب و پر از هرج و مرج اساساً تقسیم‌بندی سیاسی بر اساس جمعیت قومی و مذهبی مدنظر توافق طائف کنار گذاشته شود و طرح‌های سیاسی آنان باعث تغییر ساختار قدرت شود

سلیمان فرنجیه از مقبولیت کمتری در جامعه مسیحیان نسبت به سمیر جعجع برخوردار است، ولی به نظر می‌رسد جامعه شیعیان و بخشی از اهل سنت لبنان با او همراهی بیشتری داشته باشند. با این اوصاف از هم اکنون بحث درباره رئیس‌جمهور لبنان قدری زود است و باید مدنظر نتایج انتخابات پارلمانی بود.

■ در خصوص نبیه بری چطور؟ وضعیت نبیه بری با میشل عون و دیگر شخصیت‌های سیاسی لبنان قدری متفاوت است. به هر حال جامعه اهل تشیع لبنان روی نبیه بری اتفاق نظر دارند. از طرف دیگر حزب‌الله لبنان هم به دنبال تصاحب کرسی ریاست پارلمان لبنان نیست، لذا خواه‌ناخواه ریاست پارلمان لبنان به فردی از جنبش امل خواهد رسید و چون به نظر می‌رسد که جنبش امل هم فعلاً نامزدی غیر از نبیه بری برای ریاست پارلمان ندارد، پس تغییر آقای نبیه بری برای انتخابات بعدی چندان محتمل نیست.

■ برای کرسی نخست‌وزیری چه ارزیابی‌ای دارید؟ تانیجی‌کار به نظر می‌رسد که جامعه لبنان روی نجیب میقاتی توافق کرده‌اند. فعلاً هم گزینه جایگزینی برای آقای میقاتی وجود ندارد. لذا اگر شرایط همین‌گونه ادامه پیدا کند احتمال نخست‌وزیری مجدد او بعد از انتخابات پارلمانی هم وجود دارد. ■ کناره‌گیری سعد حریری، رئیس حزب المستقبل به عنوان مهره کلیدی جریان ۱۴ مارس را از انتخابات پارلمان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا غیبت سعد حریری به معنای غیبت المستقبل و کاهش وزن سیاسی ۱۴ مارس خواهد بود؟ اولاً که من فکر نمی‌کنم کناره‌گیری آقای سعد حریری ناشی از برنامه‌ریزی عربستان، آمریکا و... باشد. به واقع عدم حضور حریری بسیار جدی و تصمیم خود اوست. نکته مهم‌تر آنکه عدم حضور سعد حریری به معنای عدم حضور جریان المستقبل نیست زیرا جریان المستقبل با محوریت فؤاد سنوبره در جریان انتخابات حضور فعال دارد. بنابراین المستقبل غایب صحنه انتخابات پارلمانی لبنان نخواهد بود.

گفت‌وگو با سید وحید ظهوری درباره پشت پرده اتفاقات اخیر

«ایران هر اسی» و «افغانستان هر اسی» دو روی یک سکه‌اند

گفت و گو؛ سحر سماوات

روابط دو کشور ایران و افغانستان دیرینه و عمیق است؛ اگر چه در برهه‌های زمانی مختلف دولت‌های متفاوتی که در افغانستان روی کار آمده‌اند، سیاست‌های متفاوتی نسبت به ایران در پیش گرفته‌اند، اما پیوند کلی میان دو کشور و بویژه میان دو ملت که اشتراکات فرهنگی زیادی دارند، همواره برقرار بوده است. پیوندی که البته دشمنان این دو کشور هیچگاه تمایل به برقراری آن نداشته و همواره در هر فرصتی که توانسته‌اند با توطئه چینی و طراحی دیسیسه‌های مختلف برای آن اتفاق افتاد، تلاش کرده‌اند. پس از وقوع اتفاقات اخیر نیز برخی سعی کردند با ارائه ذهنیتی غیرواقعی و نادرست از دو ملت ایران و افغانستان، آنها را در روی هم قرار دهند و از این رهگذر مطامع خود را به پیش ببرند. توطئه‌ای که البته همچون توطئه‌های قبلی ناکام مانده است. در همین راستا «ایران سیاسی» به سراغ دکتر سید وحید ظهوری، کارشناس مسائل افغانستان رفته تا دیدگاه‌های وی را در این رابطه جویا شود:

■ سیاست حسن‌همجواری و همسایگی جمهوری اسلامی نسبت به کشورهای پیرامونی چه رزمینای چه رویکردهایی شکل گرفته است؟ آیا می‌توان به صرف اینکه شیوه حکمرانی هر کدام از کشورهای همسایه مورد تأیید کامل جمهوری اسلامی نیست، روابط با آنها را کاهش داد یا قطع نمود یا آنها را در رویارویی نظامی شد؟ آیا مصالح همسایگی چیزی دیگری را ایجاب می‌کند؟ این موضوع را بویژه در ارتباط با روابط ایران و افغانستان توضیح دهید؟ جمهوری اسلامی ایران بیش از چهار دهه است که میزبان تعداد قابل‌توجهی از



جشن مردمی اتحاد ایران و افغانستان در شیراز، اردیبهشت ماه ۹۸

از منظر دیگر آن‌طور که مشخص است در شرایط حال حاضر، هر دو دولت جمهوری اسلامی ایران و افغانستان بنیانش بر رعایت حسن‌همجواری بوده و در این مسیر همه تلاش خود را به کار گرفته‌اند. این در شرایطی است که سیاست‌اشغالگران همواره بر تخریب این روابط استوار بوده و کوشیده‌اند این ارتباط دیرینه و ریشه‌دار دو ملت را با اقدام‌های خرابکارانه تحت‌تأثیر قرار دهند و تخریب کنند؛ لذا با توجه به اظهارات مسئولان، اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حسن‌همجواری با همسایگان و حفظ امنیت آمیز و به‌دور هستم حسن‌همجواری و همسایگی ایجاب

است تا زمینه‌های لازم برای کاهش تنش و فرصت ترسیم چشم‌انداز و تبعات صلح و توسعه مهیا شود. ■ فکر می‌کنید چه انگیزه‌هایی برای تقویت افغانستان هر اسی در ایران وجود دارد و چرا برخی سعی می‌کنند روابط میان ایران و افغانستان را تیره کنند؟ ابعاد داخلی و بیرونی این موضوع را توضیح دهید؟ امروز با توجه به اینکه ابزارهای دیگر تنش‌زایی کند و مستهلک شده است، دشمنان به استفاده از حربه عملیات روانی روی آورده‌اند و تلاش می‌کنند با ابزار «ایران هر اسی» در افغانستان و «افغانستان هر اسی» در ایران، به ایجاد اختلاف افکنی میان دو ملت بپردازند و از رخنه‌های به‌وجود آمده برای دستیابی به مطامع نامشروع خود استفاده کنند. بر این اساس ایجاد ذهنیت‌های منفی در دولت، سرآغازی برای ایجاد تنش به حساب می‌آید، البته برخی در داخل که با سیاست‌های آسیب دشمنان هستند. نکته اینجا است که برخی نباید فریب عملیات روانی دشمنان را بخورند و با بعضی اقدام‌ها و گفته‌ها که در فضای رسانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و... بارتاب دارد، وجود تنش و اختلاف را میان دو ملت ترویج کنند؛ در چنین فضای مسمومی تنش ایجاد می‌شود و اختلاف‌ها میان دو ملت فاصله می‌اندازد. آمریکایی‌ها در جریان اخیر تلاش کردند از راه دور جریان اختلاف افکنی قومی و مذهبی را میان مردم ایران و افغانستان هدایت کنند که البته به هوشیاری نظام و مردم شکست خوردند و طرح دشمن به سرانجامی نرسید. ما در دهه‌های اخیر بارها شاهد انجام عملیات روانی سنگین از سوی دشمن بوده‌ایم که با نقش‌آفرینی مجاری مردم، تلویزیون، مجکی بی‌اثر شده است. در این صحنه اخیر هم شاهد

امروز با توجه به اینکه ابزارهای دیگر تنش‌زایی، کند و مستهلک شده است، دشمنان به استفاده از حربه عملیات روانی روی آورده‌اند و تلاش می‌کنند با ابزار «ایران هر اسی» در افغانستان و «افغانستان هر اسی» در ایران، به ایجاد اختلاف افکنی میان دو ملت بپردازند و از رخنه‌های به‌وجود آمده برای دستیابی به مطامع نامشروع خود استفاده کنند. بر این اساس ایجاد ذهنیت‌های منفی در دو ملت، سرآغازی برای ایجاد تنش به حساب می‌آید



بودیم که اختلاف‌افکنی‌ها سرانجام موقتی نیافت و طرح‌های در نظر گرفته شده دشمنان شکست خورد. ■ غرب از تنش‌زایی میان ایران و همسایگان چه نفعی می‌برد؟ آیا می‌توان گفت که غرب سعی دارد ایران را درگیر تنش با همسایگان کند تا از تمرکز ایران بر محور مقاومت بکاهد و بتواند منافع خود و رژیم صهیونیستی را در منطقه به پیش ببرد؟ مهم‌ترین انگیزه‌ها و اهداف غرب از سیاه‌نمایی علیه اسلام و ایران (هر سه هراسی) از جمله تلاش برای منفرود نشان دادن دین اسلام و مذهب تشیع، جلوگیری از گرایش روزافزون جوانان غربی به اسلام،

منفعل نمودن ایران اسلامی در تحولات منطقه‌ای و جهانی، جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران اسلامی در خاورمیانه، افزایش تجارت اسلحه با کشورهای منطقه و در نهایت به تسلیم واداشتن ایران است، لذا دلایل غرب در پیگیری این پروژه، نیاز به دشمنی است. همچنین منفرود نشان دادن دین اسلام، حضور نظامی در منطقه و ایجاد اختلاف بین کشورهای اسلامی، جلوگیری از الگو شدن ایران برای کشورهای منطقه و منفرود نشان دادن مذهب تشیع، جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران و ایجاد ترتیبات امنیتی منطقه‌ای ضد ایران از جمله مهم‌ترین انگیزه‌های غرب در تنش‌زایی میان ایران و همسایگان است. غرب برای پیگیری این پروژه از تانک‌های گوناگونی از قبیل استفاده از تانک‌های تروزیسم، جنگ رسانه‌ای، تلاش در ایجاد جهل درباره جهان اسلام، تلاش برای برتر نشان دادن تمدن و فرهنگ غربی، تحریک احساسات مذهبی و ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی، فروش تسلیحات، استفاده ابزاری از موضوع حقوق بشر و بسترسازی تنش‌های قومی - فرقه‌ای در مرزهای ایران سود می‌برد.